

## مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران

جواد کاشانی\* توحید قلی‌زاده\*\*

### چکیده

در الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران پیمانکار به مدت بیش از بیست سال عملیات اکتشاف، ارزیابی، توسعه و بهره‌برداری را بر عهده خواهد داشت. در این شرایط ممکن است ساختار یا میدان نفتی کشف شوند که بین مناطق قراردادی دو یا چند پیمانکار مشترک باشند. کشف منبع مشترک می‌تواند منجر به رقابت غیرضروری بین پیمانکاران شده و نهایتاً هدر رفت فیزیکی و اقتصادی منابع را به بار آورد. حفظ وحدت مخزن از طریق یکپارچه‌سازی (یک‌کاسه‌سازی) شیوه‌ای است که دولت‌ها به کمک آن سعی دارند از پیامدهای منفی چنین شرایطی جلوگیری کنند. با توجه به اینکه مفهوم مذکور برای اولین بار در قراردادهای نفتی ایران مطرح شده است، پیمانکاران و بدنه اجرایی شرکت ملی نفت آگاهی کمی نسبت به موضوع دارند؛ بنابراین، در راستای کمک به توسعه ادبیات علمی و کاربردی مرتبط با موضوع باید به این سؤال پاسخ داد که در مذاکرات مربوط به یکپارچه‌سازی چه موارد حقوقی و فنی حائز اهمیت هستند؟ در تلاش برای یافتن پاسخ به سؤال مورد اشاره هدف مقاله حاضر این است که مهم‌ترین نکات مربوط به مذاکرات موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی بین پیمانکاران را شناسایی و تا حد امکان به تجزیه و تحلیل حقوقی و فنی هر یک از موارد آن بپردازد. نتایج این تحقیق می‌تواند در تدوین مقررات مربوط و نیز کمک به مذاکرات پیمانکاران مفید باشد.

---

\* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران (نویسنده مسئول) Kashani.Lawyer@gmail.com  
\*\* دانش‌آموخته دکتری رشته مدیریت قراردادهای بین‌الملل نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران. Gholizadeh.Tohid@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۳

**واژه‌های کلیدی:** منابع مشترک نفت و گاز، الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران، یکپارچه‌سازی داخلی، یکپارچه‌سازی بین‌المللی، میدان و ساختار نفتی.

### مقدمه

هفتم و هشتم آذرماه ۱۳۹۴ وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران بر اساس تصویب نامه هیئت‌وزیران طی اجلاس بین‌المللی اقدام به معرفی نمونه قراردادهای جدید نفتی موسوم به IPC<sup>۱</sup> نمود.<sup>۲</sup> در اجلاس مذکور ساختار کلی قراردادهای جدید معرفی شد و ارائه‌ی جزئیات بیشتر به آینده موکول گردید. تفاوت قراردادهای جدید با قراردادهای پیشین که معروف به قراردادهای بیع متقابل بودند در این است که پیمانکار علاوه بر وظیفه‌ی انجام عملیات اکتشاف، ارزیابی و توسعه، عملیات تولید را نیز بر عهده خواهد داشت. به‌عبارت‌دیگر، قراردادهای جدید قرارداد ترکیبی می‌باشند. (ماده‌ی ۱-۲ الگوی جدید قراردادهای نفتی) نکته دیگری که در پیش‌نویس قراردادهای جدید جلب‌توجه می‌کند این است که در متن پیش‌نویس به امکان مشترک بودن مخزن یا میدان و لزوم یکپارچه‌سازی در صورت کشف چنین میدان یا مخزنی اشاره شده است. همان‌طور که می‌دانیم بر اساس رویه معمول صنعت نفت و گاز مناطق با پتانسیل کشف منابع هیدروکربنی بلوک‌بندی شده و طی مناقصه یا مذاکره به پیمانکاران واگذار می‌گردد. در این بین ممکن است ذخایر هیدروکربنی از مرزهای بلوک یا بلوک‌های واگذار شده به یک پیمانکار عبور کرده و امکان بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی واقع در آن‌ها از بلوک مجاور میسر باشد. در کشورهای دیگر چون انگلستان و آمریکا در چنین شرایطی برای جلوگیری از هدر رفت فیزیکی و اقتصادی منابع، دارندگان امتیاز را ملزم به یکپارچه‌سازی مخزن یا میدان و بهره‌برداری از آن به‌صورت واحد می‌نمایند. کشورهای مذکور قوانین و مقررات متعددی را نیز در این خصوص تنظیم و تصویب کرده‌اند.

یک‌کاسه‌سازی<sup>۳</sup> (یکپارچه سازی یا آحادسازی) شیوه‌ای است که برای اولین بار در آمریکا به‌منظور توسعه‌ی مؤثر و کارایی مخازن نفتی مشترک بین قطعات مفروز به کار گرفته شد

<sup>۱</sup> Iranian Petroleum contract

<sup>۲</sup> هیئت‌وزیران در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۱۱ تصویب‌نامه شماره ۱۰۴۰۸۹/ت/۵۲۴۴۵ ه را در مورد شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز صادر کرد که با انتقادهای زیادی از سوی برخی از افراد مواجه شد و در نهایت هیئت‌وزیران با پذیرش برخی از نظرات ابراز شده، تصویب‌نامه جدید شماره ۵۷۲۲۵/ت/۵۳۳۶۷ ه را در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ صادر کرد و به‌موجب ماده ۱۶ آن، تصویب‌نامه پیشین را بی‌اعتبار اعلام نمود. در ضمن هیئت‌وزیران به‌موجب تصویب‌نامه شماره ۵۷۲۲۲/ت/۵۳۳۶۷ ه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی موضوع تصویب‌نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز را تعیین کرد.

<sup>۳</sup> Unitisation=unitization

مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۱۹۱

(Eubanks and Mueller, 1986:469). این شیوه فرآیندی است که به‌وسیله‌ی آن ذخایر نفت و گاز در نواحی که مجوز آن در دست بیش از یک نفر است به‌صورت منطقه‌ای واحد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. اگر میدان، مخزن یا ساختار نفتی در قلمرو دو یا چند کشور همسایه گسترده شده باشد، یکپارچه‌سازی بین‌المللی و در صورتی که بین نواحی قراردادی دو یا چند پیمانکار در قلمرو یک کشور واقع شده باشد، یکپارچه‌سازی داخلی خواهد بود. افزایش ضریب بازیافت نهایی، جلوگیری از چند برابر شدن هزینه‌های توسعه، جلوگیری از حفاری رقابتی غیرضروری و تولید صیانتی از مخزن یا میدان از جمله فواید یکپارچه‌سازی است (Weaver & Asmus, 2006, 7) از سوی دیگر، با توجه به اینکه مفهوم یکپارچه‌سازی برای نخستین بار در قراردادهای نفتی ایران مطرح می‌شود، شرکت‌های پیمانکار داخلی و حتی بدنه‌ی اجرایی شرکت ملی نفت ایران آشنایی کمی با مفهوم اشاره‌شده دارند. این عدم آشنایی می‌تواند مشکلات فراوانی را ایجاد کند. تأخیر در اجرای پروژه، افزایش هزینه‌ها، بروز اختلاف بین پیمانکاران، انعقاد موافقت‌نامه نامناسب و عدم امکان نظارت درخور از سوی شرکت ملی نفت از جمله این مشکلات می‌تواند باشد.

توسعه و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز مشترک به‌صورت یکپارچه‌سازی را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرارداد. اول رابطه‌ی پیمانکاران و شرکت ملی نفت ایران و دوم رابطه‌ی بین پیمانکاران ذینفع. همان‌طور که اشاره شد معمولاً دولت‌ها قوانین و مقرراتی را برای نحوه‌ی مواجهه با منابع نفت و گاز مشترک بین دو یا چند بلوک مجاور دارند و در این قوانین شرکت ملی نفت به‌عنوان نماینده‌ی دولت بر تمامی فرایندهای اجرای کار نظارت داشته و پیمانکاران ملزم به اخذ تأییدیه‌های مربوط از شرکت ملی نفت می‌باشند. در خصوص ایران هنوز قانون و مقررات خاصی در این رابطه به تصویب نرسیده است. به این مسئله در متن پیش‌نویس قراردادهای جدید نیز اشاره شده است.<sup>۴</sup> دوم رابطه‌ی بین پیمانکاران و مذاکره برای انعقاد موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی است که مسائل حقوقی و فنی پیچیده‌ای را شامل می‌شود. در خصوص رابطه‌ی بین پیمانکاران و دولت کمابیش کارهایی در گذشته انجام شده است ولی به رابطه بین پیمانکاران و موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی و مراحل انعقاد آن کمتر پرداخته شده است. این در حالی است که آشنایی با مسائل فنی و حقوقی در مراحل تهیه‌ی موافقت‌نامه مذکور هم برای پیمانکاران و هم برای شرکت ملی نفت ایران به‌عنوان نهاد نظارتی و کارفرمایی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و در عمل هر آنچه باید از توسعه و بهره‌برداری به شیوه‌ی یکپارچه‌سازی به دست آید در موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی ساخته و پرداخته شود. در این مقاله با بررسی ادبیات موضوع و مقایسه

---

۴ ماده ۱۶-۲۱ پیش‌نویس پیمانکار را ملزم می‌دارد تا طرح آحادسازی را بر اساس اصول، رویه‌ها، دستورالعمل‌ها و حدود تعیین شده میدان از سوی شرکت ملی نفت ایران تهیه نماید.

موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی در دسترس به بررسی نکاتی پرداخته‌ایم که در فرآیند مذاکرات یکپارچه‌سازی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار هستند. به دیگر بیان، در این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم که در صورتی که پیمانکاران بنا به ضرورت بخواهند با یکدیگر موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی منعقد کنند به چه مواردی باید دقت کرده و چه مسائل حقوقی را باید مدنظر قرار دهند؟

### ۱. روش تحقیق

در این مقاله ابتدا با جستجو در منابع موجود تعدادی از الگوهای یکپارچه‌سازی کشورهای مختلف به دست آمد. سپس بامطالعه ادبیات موضوع به شناسایی مهم‌ترین مواردی که از دید دولت‌ها و پیمانکاران که منجر به بیشترین اختلافات شده و اکثر زمان مذاکرات برای توافق بر سر آن‌ها صرف می‌شود، پرداخته شد. نهایتاً هر یک از موارد مهم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

قوانین، مقررات و الگوی قراردادهای بالادستی کشورها یکی از بهترین منابعی هستند که می‌توان به آن‌ها رجوع کرد. بدین منظور منابع حقوقی کشورهای آذربایجان، عراق، اندونزی، روسیه، انگلستان، الجزایر، مصر، آنگولا، برزیل، چین، کلمبیا، یمن، نیجریه و اکوادور مورد بررسی قرار گرفتند. از بین کشورهای مورد بررسی فقط دو کشور برزیل و اکوادور نسبت به ارائه‌ی فهرست مواردی که در موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی باید آورده شوند، اقدام کرده بودند. در الگوی قرارداد امتیازی سال ۲۰۰۳ برزیل موارد زیر برای تعیین چارچوب موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی بین پیمانکاران اشاره شده است:

الف: تعیین منصفانه حقوق و تعهدات طرفین

ب: تعریف ناحیه یکپارچه‌سازی شده

پ: مشخص کردن بهره‌بردار

ت: سهم هر یک از طرفین از عملیات اکتشاف، ارزیابی، برنامه‌ی توسعه و تولیدات

ث: طرح توسعه

ج: تعیین میزان پرداخت‌ها به دولت و اشخاص ثالث بر اساس مقادیر مشخص شده در قراردادهای هر یک از طرفین

ج: سایر مواردی که معمولاً در موافقت‌نامه‌هایی از این دست بر اساس رویه‌ی پذیرفته‌شده‌ی بین‌المللی آورده می‌شود. (Brazil 2003 Model Concession Agreement, article 12)<sup>۵</sup>

۵ لازم به ذکر است در الگوی موافقت‌نامه امتیازی ۲۰۱۳ برزیل مسئله آحادسازی در ماده‌ای با عنوان Individualization of Production آورده شده است و در آن پیش‌بینی شده آحادسازی باید مطابق مفاد ۳۴ قانون

مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۱۹۳

ماده ۶-۸-۸ قرارداد مشارکت در تولید اکوادور ( Ecuador Model Production Sharing Contract, 2002) نیز موارد زیر را جهت درج در موافقت‌نامه‌ی توسعه‌ی مشترک مشخص کرده است:

الف- فاصله چاه‌ها، نرخ‌های تولید، نظارت بر تست‌های فشار و تولید و تخمین‌های مربوط به ذخایر اثبات‌شده

ب- مشارکت اقتصادی طرفین در توسعه و آغاز تولید

پ- به‌روزرسانی مقادیر ذخایر اثبات‌شده و سایر شرایط عملیاتی مخزن مشترک

ت- رویه تعدیل سهم طرفین از هزینه‌ها و عایدات

ث- رویه تغییر بهره‌بردار، مشروط به اینکه تغییر آن ادامه‌ی روند عملیات و دستیابی به حداکثر کارایی و صرفه‌جویی را تحت تأثیر قرار ندهد.

ج- نحوه ایجاد کمیته بهره‌برداری مشترک و تعیین وظایف آن. این کمیته باید مشتمل بر نمایندگان طرفین ذینفع و شرکت ملی اکوادور باشد.

ح- تعهد بهره‌بردار به حفظ دارایی‌های ناحیه یکپارچه‌سازی شده در راستای منافع پیمانکارانی که بهره‌بردار نیستند.

جستجوهای نگارندگان در مورد موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی به یافتن نه مورد از الگوهای یکپارچه‌سازی کشورهای مختلف انجامید. اهم مطالب و مفاد این الگوها بسیار مشابه موارد فوق هستند. موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی<sup>۶</sup> دامنه‌ی وسیعی از موضوعات حقوقی، فنی، مالی

---

شماره ۱۲۳۵۱ صورت گیرد. در ماده مذکور نیز اشاره‌ای به مواردی که باید در متن موافقت‌نامه آحادسازی آورده شود، نشده است؛ بنابراین برزیل نیز همانند اغلب کشورها سعی کرده است که دست دارندگان امتیاز را بیشتر باز بگذارد. در اینجا ذکر تفاوت چارچوب‌های قراردادی آحادسازی در آمریکا و سایر کشورها ضروری به نظر می‌رسد. در آمریکا آحادسازی تحت چندین موافقت‌نامه یا قرارداد صورت می‌گیرد. موافقت‌نامه مقدماتی آحادسازی، موافقت‌نامه آحادسازی، موافقت‌نامه عملیات مشترک و در صورت لزوم موافقت‌نامه باز تعیین سهم طرفین. با توجه به اینکه رسیدن به موافقت‌نامه آحادسازی نهایی ممکن است زمان زیادی را نیاز داشته باشد، طرفین ابتدا بر سر اصول کلی توافق می‌نمایند تا با مشخص نمودن چارچوب‌های مذاکرات احتمال رسیدن به توافق را افزایش دهند. این اصول کلی در موافقت‌نامه مقدماتی آحادسازی مشخص می‌شوند. با پیشرفت مذاکرات موافقت‌نامه نهایی آحادسازی آماده می‌شود. طرفین مسائل عملیاتی خود را طی موافقت‌نامه‌ای جداگانه با عنوان موافقت‌نامه عملیات مشترک یا موافقت‌نامه‌ی توسعه مشترک تعیین می‌نمایند. در سایر کشورها این رویه به چشم نمی‌خورد و معمولاً تمامی مسائل در متن موافقت‌نامه‌ی آحادسازی دیده می‌شود و برنامه توسعه‌ی مشترک به عنوان یکی از پیوست‌های موافقت‌نامه‌ی آحادسازی است. این مطلب از آن جهت عنوان گردید که در مقالات مختلف هم از آحادسازی و هم از برنامه‌ی توسعه‌ی مشترک استفاده می‌شود؛ که ممکن است باعث سردرگمی گردد. باید به این نکته توجه داشت که برنامه‌ی توسعه‌ی مشترک در مواردی غیر از آحادسازی نیز کاربرد دارد. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

و اقتصادی را دربر می‌گیرد. با توجه به گستره وسیع موضوعات موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی در ادامه به بررسی مواردی که به نظر نگارندگان مهم‌تر می‌باشند پرداخته‌شده است. این موارد عبارت‌اند از: تعیین ناحیه یکپارچه‌سازی و تغییر آن، تعیین سهم طرفین، باز تعیین سهم طرفین، تعیین کارگزار یکپارچه‌سازی و تغییر آن و سازوکار مدیریت یکپارچه‌سازی.

## ۲. تعیین ناحیه‌ی یکپارچه‌سازی

در مراحل اولیه کشف میدان اطلاعات کافی برای تعیین دقیق مرزهای ساختار نفتی در دسترس نیست. این مسئله احتمال تغییر مرزهای تعیین‌شده را افزایش می‌دهد. در حالتی که فقط گستره‌ی جغرافیایی ساختار نفتی مدنظر باشد، مرزهای ساختار در یک فضای سه‌بعدی در زیر و روی زمین تعیین می‌شود.

با توجه به امکان تغییر در ناحیه‌ی یکپارچه‌سازی، معمولاً ناحیه حائل را در اطراف مرزهای احتمالی ساختار نفتی کشف‌شده تعیین می‌کنند. تعیین ناحیه حائل این امکان را به وجود می‌آورد که قسمتی از یک ساختار نفتی مستقل در آن قرار گیرد. در آمریکا برای حل این مشکل ناحیه‌ی یکپارچه‌سازی بزرگ‌تری را در نظر می‌گیرند ولی فقط در بخشی از آن که مربوط به ساختار نفتی است به مشارکت می‌پردازند (Weaver & et al., 2006, 74).

در تعیین ناحیه یکپارچه‌سازی، گستره‌ی جغرافیایی و لایه تولیدکننده باید به مکانیسم‌های تولید مخزن نیز توجه شود. ممکن است یک مخزن هم‌زمان از مکانیسم‌های تولید انبساط کلاهیگ گازی و رانش آبی بهره‌بردار. کلاهیگ گازی ممکن است به‌طور کلی در یک بلوک واقع شود و لایه‌ی آب در بلوک دیگر. هرچند گاز و آب تولید نمی‌شوند ولی نقش بسیار مهمی در نرخ بازیافت نفت خواهند داشت. (Amui & Melo, 2003, 17)

هنگامی که هدف از یکپارچه‌سازی، توسعه‌ی یک میدان یا مخزن واحد است، عمق و مناطق قراردادی مربوط در نقشه‌ای مشخص می‌شوند. ولی از آنجائی که در تمامی اطلاعات به‌دست‌آمده از زیرزمین عدم قطعیت وجود دارد، امکان تغییر در ناحیه تعیین‌شده وجود خواهد داشت. تغییر در ناحیه ممکن است بخش بیشتری از ساختار نفتی را در ناحیه‌ی قراردادی یک یا چند تن از طرفین قرار دهد. این امر سهم مشخص‌شده برای هر یک از آنان از عایدات و هزینه‌ها را در گذشته، حال و آینده تغییر خواهد داد. تغییر در ناحیه‌ی یکپارچه‌سازی ممکن است منطقه‌ی جدیدی را به ناحیه‌ی یکپارچه‌سازی اضافه کند که امتیاز بهره‌برداری از آن در اختیار شخص یا اشخاصی است که در موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی مشارکت نداشته‌اند. در این حالت باید مذاکرات

مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۱۹۵

مجدد برای تعدیلات لازم در سهم هر یک از طرفین انجام شود. معمولاً کارگزار یکپارچه‌سازی<sup>۷</sup> به‌عنوان نماینده‌ی طرفین ذینفع وظیفه‌ی تهیه‌ی نقشه‌ی جدید ناحیه‌ی یکپارچه‌سازی و شرکت در مذاکره با طرفین جدید را بر عهده خواهد داشت. لازم به ذکر است گاهی ممکن است در اثر اطلاعات به‌دست‌آمده کارگزار یکپارچه‌سازی به این نتیجه برسد که بخش‌هایی از ناحیه باید از موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی حذف شوند. هرگونه تغییر در ناحیه‌ی یکپارچه‌سازی باید به تأیید نماینده دولت برسد.<sup>۸</sup>

### ۳. تعیین سهم طرفین

تعیین فرمول مشارکت، موضوع اصلی مذاکرات یکپارچه‌سازی است و تا زمانی که تمامی طرفین در مورد آن توافق نکنند، مذاکرات به سرانجام نخواهد رسید. فرمول مشارکت، سهم هر یک از طرفین از تولیدات، عایدات و هزینه‌ها را مشخص می‌نماید و معمولاً بعد از مذاکرات سخت و طولانی نهایی می‌شود. فرمول مشارکت ایدئال، تولیدات را به نحوی تخصیص می‌دهد که سهم هر یک از مشارکت‌کنندگان در یکپارچه‌سازی به‌اندازه‌ی ارزش مشارکت آن‌ها در یکپارچه‌سازی باشد. ارزش نسبی نیز فقط بر اساس هیدروکربن واقع در نواحی قراردادی تعیین نمی‌شود. بلکه غیر از نفت درجا عوامل دیگری چون موقعیت نواحی قراردادی نسبت به ساختار نفتی، مقدار هیدروکربن تولیدشده قبلی، تعداد چاه‌های موجود و میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در تأسیسات را نیز باید در نظر گرفت.

دستیابی به فرمول مشارکت ایده‌آل که به‌طور دقیق منعکس‌کننده ارزش مشارکت هر یک از طرفین باشد، غیرممکن است؛ زیرا حتی زمانی که توسعه‌ی اولیه‌ی مخزن انجام‌شده باشد، اطلاعات در دسترس محدود است. پیش‌بینی رفتار آتی مخزن نیز دشوار بوده و وابسته به متغیرهای متعددی است. تغییر در هر یک از این متغیرها باعث تغییر در سهم طرفین خواهد شد. عوامل بیرونی چون قیمت هیدروکربن‌ها نیز بر غیرممکن بودن تعیین فرمول ایده‌آل می‌افزایند. هرچند مذاکرات مربوط به فرمول مشارکت سخت و طولانی است ولی با استفاده از کامپیوترهای امروزی طرفین می‌توانند به‌سرعت اثر فرمول‌های پیشنهادی بر سهم خود را در جلسات مذاکره محاسبه نمایند. (Derman & Vollus, 2002, 5)

فرآیند توسعه فرمول مشارکت از واحدی به واحد دیگر متفاوت است. مهندسان و زمین‌شناسان باید نقش مهمی حداقل در اوایل مذاکرات ایفا کنند؛ زیرا اطلاعات مربوط به ویژگی‌های مخزن در مراحل اولیه مذاکرات توسعه می‌یابد و از آنجایی که مخازن از نظر ضخامت،

<sup>۷</sup> Unit Operator

<sup>۸</sup> - برای اطلاعات بیشتر در خصوص جنبه‌های زمین‌شناختی تعیین ناحیه آحادسازی به مقاله زیر رجوع شود:

Madhurendu B. Kumar, 2007, «Geological Aspects of Unitization in the Petroleum Fields of Louisiana: A Brief Overview»

فشار، تخلخل و سایر ویژگی‌ها با یکدیگر متفاوت هستند، مذاکرات زیادی باید برای مشخص نمودن این فاکتورها صورت گیرد. مهندسان و زمین‌شناسان تلاش می‌کنند تا ارزش اقتصادی هر یک از بخش‌هایی را که در واحد مشارکت دارند، تعیین کنند. ارزش‌های نسبی معمولاً بر اساس فاکتورهای متعددی تعیین می‌شوند که دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تخمینی از ذخایر کلی نفت در جا و منابع فشار مخزن به‌علاوه موقعیت زمین در رابطه با منبع فشار (مکانیسم‌های تولید مخزن). عموماً سنگ‌های مخزن دارای خواص فیزیکی و شیمیایی همگنی نمی‌باشند. در نتیجه ویژگی‌های سنگ از قبیل تخلخل، نفوذپذیری و ترکیبات شیمیایی آن در نقاط مختلف مخزن متفاوت است. ویژگی‌های سیال مخزن نیز در نقاط مختلف مخزن تغییر می‌کند. ویژگی‌هایی چون چگالی، گرانی و ترکیبات شیمیایی. (Amui & Melo, 2003, 17) بنابراین، حتی اگر نواحی قراردادی از نظر وسعت یکسان باشند، به‌احتمال زیاد سهم متفاوتی از تولیدات یا عایدات حاصل از آن را کسب خواهند نمود.

در برخی از موارد برای ساده کردن فرآیند مذاکرات تعیین سهم طرفین معیارهای ساده‌تری در نظر گرفته می‌شود. برای مثال در یکی از الگوها مقدار اکرفوت<sup>۹</sup> سازند تولیدی هر یک از قطعات برای تعیین سهم طرفین استفاده شده است. الگوی یکپارچه‌سازی A.I.P.N نیز معیارهای زیر را که طرفین می‌توانند با اختیار خود هر کدام را انتخاب کنند برای تعیین سهم طرفین مشخص نموده است:

- ا. حجم ناخالص سنگ<sup>۱۰</sup>
- ب. حجم هیدروکربن منفذ<sup>۱۱</sup>
- ج. هیدروکربن در جای اولیه<sup>۱۲</sup>
- د. حجم هیدروکربن قابل جابه‌جایی<sup>۱۳</sup>
- ه. ذخایر<sup>۱۴</sup>

#### ۴. باز تعیین سهم طرفین

در ابتدای مذاکرات یکپارچه‌سازی، اطلاعات دقیقی از مخزن و رفتار آن در دسترس نیست و تصمیم‌گیری عموماً بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از مطالعات اکتشافی و ارزیابی و در برخی موارد چاه‌های توسعه‌ای اندک شمار صورت می‌گیرد. در این شرایط این احتمال وجود دارد که با

<sup>9</sup> Acre Foot

<sup>10</sup> Gross Rock Volume

<sup>11</sup> Hydrocarbon Pore Volume

<sup>12</sup> Original Hydrocarbons in Place

<sup>13</sup> Moveable Hydrocarbon Volume

<sup>14</sup> Reserves



مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۱۹۷

انجام عملیات توسعه و به دست آوردن داده‌ها و اطلاعات بیشتر مبانی که بر اساس آن سهم هر یک از طرفین تعیین شده بود تغییر یابند. در صورت پیش آمدن این مسئله طرفین باید مذاکرات را برای بازنگری در نسبت‌های تعیین شده قبلی آغاز کنند. فرایند باز تعیین سهم طرفین با دشواری‌ها و ابهامات زیادی همراه است. در برخی از موارد این مذاکرات بیش از پنج سال به طول انجامیده است. در این بخش به بررسی مواردی پرداخته شده است که در باز تعیین سهم طرفین نقش مهمی داشته و معمولاً بیشترین ابهامات در آن‌ها مطرح می‌شود.

#### ۴.۱. ضرورت باز تعیین سهم طرفین

آنچه برای دولت‌های میزبان اهمیت دارد افزایش ضریب بازیافت نهایی و جلوگیری از هزینه‌های اضافی توسعه و تولید است. اینکه هر یک از طرفین چه درصدی از تولیدات و درآمدها را به خود اختصاص می‌دهند برای آن‌ها اهمیت ندارد. در قوانین کشورهای موردبررسی به معیارهایی برای ارزیابی و تأیید برنامه‌ی توسعه مشترک اشاره شده است. جلوگیری از هدر رفت فیزیکی و اقتصادی منابع و فراهم نمودن سهم عادلانه برای طرفین از جمله این موارد می‌باشند. در مواردی نیز که دولت به دلیل عدم توافق طرفین اقدام به تهیه‌ی برنامه‌ی توسعه‌ی مشترک می‌کند به منصفانه و عادلانه بودن سهم طرفین اشاره شده است. هرچند این مسئله در اولویت دولت‌ها قرار ندارد. برای مثال در یادداشت‌های ارشادی اداره صنعت و تجارت انگلستان آمده است که «حق مالکیت بر منابع هیدروکربنی فلات قاره انگلستان تنها زمانی متصور است که این منابع بر اساس قوانین مربوط استخراج شده باشند. از طرفی پذیرش یا رد برنامه‌ی توسعه‌ی مشترک تنها بر مبنای این خواهد که آیا برنامه‌ی ارائه شده منجر به حداکثر شدن بازیافت اقتصادی می‌شود یا خیر.» (DTI Oil & Gas Directorate - Regulation Guidance Notes, 2.5.1) همان‌طور که مشاهده می‌شود حق مالکیت بر منابع هیدروکربنی زیرزمین بر هیچ‌یک از طرفین متصور نیست؛ بنابراین، بحث تعیین سهم عادلانه از منابع زیرزمین اهمیت خود را از دست می‌دهد. با این حال با توجه به اشارات صورت گرفته در منابع حقوقی کشورهای مختلف می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که توافقنامه‌ی بین طرفین باید سهم منصفانه و عادلانه‌ای را برای طرفین از درآمدها یا تولیدات میدان فراهم نماید.

تعیین عادلانه سهم طرفین<sup>۱۵</sup> از عایدات میدان زمانی محقق خواهد شد که اطلاعات کامل از ویژگی‌های میدان و رفتار مخزن در دسترس باشد. در دسترس بودن این اطلاعات در مرحله‌ی مذاکرات یکپارچه‌سازی غیرممکن است؛ بنابراین، طرفین با علم به عدم کفایت اطلاعات فعلی، بر

<sup>۱۵</sup> ماده ۲۷ قانون ۹۷۷۸ برزیل و مقررات حفاری و تولید نیجر ماده ۴۷ نیز به لزوم تعیین عادلانه و منصفانه سهم طرفین از آحادسازی اشاره کرده‌اند.

سهام معینی توافق کرده و احتمال درخواست بازنگری در آن را با به دست آمدن اطلاعات بیشتر در موافقت‌نامه پیش‌بینی می‌نمایند. (Polkinghorne, 2007, 314) با این وجود، به دلیل هزینه و زمان بر بودن فرآیند بازنگری و نیز تأثیر منفی احتمالی آن بر روابط بین طرفین سعی می‌شود تعداد بازنگری‌ها را با تعیین شرایط خاصی کاهش دهند. از طرف دیگر، هدف از باز تعیین محاسبه دقیق‌تر سهام طرفین است و این امر محقق نخواهد شد مگر با به دست آمدن اطلاعات بیشتر، طرفین ممکن است به منظور فراهم کردن فرصت کافی برای جمع‌آوری اطلاعات، توافق کنند که مثلاً بعد از گذشت چند سال از آغاز تولید مجاز به درخواست بازنگری خواهند بود. درخواست‌های بعدی نیز ممکن است بعد از گذشت چند سال از اولین درخواست و یا با به دست آمدن داده‌های جدید از چاه‌های اکتشافی خارج از منطقه‌ی یکپارچه‌سازی شده<sup>۱۶</sup> مجاز باشد. معمولاً در اواخر عمر مخزن اجازه بازنگری در سهام طرفین داده نمی‌شود زیرا در این مرحله منابع هیدروکربنی کافی برای انجام تعديلات وجود نخواهد داشت از سوی دیگر ممکن است دقت بیشتر به دست آمده، هزینه بازنگری را توجیه ننماید. تکمیل چاه‌های توسعه‌ای و رسیدن به سطح تولید تجمیعی معین از دیگر شرایطی است که با تحقق آن‌ها امکان بازنگری در سهام طرفین میسر می‌گردد. (A.I.P.N Unitization and unit operating agreement (model, article 5-5)

سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌گردد این است که در صورتی که مسئله‌ی باز تعیین سهام طرفین در موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی پیش‌بینی نشده باشد، آیا طرف یا طرفینی که درخواست بازنگری دارند می‌توانند سایر اطراف قراردادی را مجبور به آن نمایند؟ در پاسخ به این سؤال باید ابتدا به قانون حاکم بر قرارداد مراجعه کرد. اگر در قانون حاکم مسئله‌ی باز تعیین دیده نشده باشد در سیستم‌های حقوقی مختلف به اصول متفاوتی برای اجبار به باز تعیین می‌توان استدلال کرد. برای مثال می‌توان در کامن لا بر اصل «عدم امکان ایفای تعهدات قراردادی»<sup>۱۷</sup> و در حقوق نوشته به دکترین «اشتباه طرفین»<sup>۱۸</sup> برای توجیه داشتن حق برای اجبار به بازنگری استدلال نمود. مخالفان این استدلال بر این عقیده هستند که طرفین از ابتدا می‌دانستند که به دلیل نبود اطلاعات لازم، راه‌حل تعیین شده ممکن است دقیق نباشد. به عبارت ساده‌تر با علم به این موضوع سهام طرفین را تعیین و مورد پذیرش قرار داده‌اند و این تصمیم حاصل اشتباه طرفین نبوده و حادثه‌ای نیست که منجر به عدم امکان ایفای تعهدات قراردادی آن‌ها شود. در سیستم‌های حقوقی رومی ژرمنی نیز می‌توان بر اصل مشقت<sup>۱۹</sup> استدلال کرده و اجبار به باز تعیین را توجیه کرد. به نظر می‌رسد این اصل بهترین دلیل برای اجبار به باز تعیین باشد. البته

<sup>16</sup> Step out wells

<sup>17</sup> Frustration

<sup>18</sup> Mutual Mistake

<sup>19</sup> Hardship

مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۱۹۹

باید به این نکته نیز توجه شود که رفع سختی پیش‌آمده برای یک‌طرف نباید به سختی و مشقت طرف دیگر بیانجامد.

به مسئله اجبار به باز تعیین به‌گونه‌ای دیگر نیز می‌توان نگریست. با توجه به پیش‌بینی باز تعیین سهم طرفین در موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی مدرن، سکوت طرفین در موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی اخیر به این معنی است که طرفین این مسئله را مدنظر داشته‌اند و با علم به این مسئله و آگاهانه آن را کنار گذاشته‌اند. این امر با توجه به مشکلات همراه باز تعیین و هزینه و زمان زیاد آن قابل توجیه است. برای مثال بازنگری دوم بخش یکپارچه‌سازی شده در خلیج پرونده<sup>۲۰</sup> که در آلاسکا واقع شده است یکی از بدترین موارد در صنعت نفت است و به‌عنوان مثال کلاسیک در اغلب مقالات به آن اشاره می‌شود. در موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی، تاریخ‌های اول ژانویه ۱۹۷۹ و ۱۹۸۲ برای بازنگری در HPV<sup>۲۱</sup> و سهم هر یک از قطعات زمین از ناحیه اصلی تولیدکننده نفت تعیین شده بود. همچنین در موافقت‌نامه‌ی عملیات واحد به شرح زیر آمده بود:

«اگر مالکان تا اول می ۱۹۸۱ در مورد نقشه‌هایی که ساختار و ضخامت سنگ مخزن واحد را توصیف می‌کنند به توافق نرسند، اختلاف مربوط به آن بخش از نقشه‌ها که مورد توافق نمی‌باشند، بر اساس ماده‌ی ۳۸ به داوری ارجاع داده خواهد شد و نیز در صورتی که طرفین در خصوص HPV تا اول ژانویه ۱۹۸۲ به توافق نرسند، موضوع بر اساس مفاد ماده ۳۸ به داوری ارجاع داده خواهد شد. داوری فقط به مسائل مربوط به HPV که طرفین تا پیش از جلسه استماع اولیه به نتیجه نرسیده‌اند، رسیدگی خواهد کرد و حل تمام مسائل توسط هیئت داوری باید خارج از محدوده‌ی ادعاهای متناقض طرفین باشد. اختلاف در مورد نقشه‌ها باید به هیئت داوری جداگانه‌ای ارجاع شود.» ( , Prudhoe Bay Unit Operating Agreement, 1977, Article 37) همان‌طور که مشاهده می‌شود دامنه‌ی اختیارات داوری بسیار محدود بوده و هر یک از موضوعات باید به داوری‌های جداگانه ارجاع می‌شدند. اختیارات داوری با توضیحات زیر محدودتر نیز شده بود:

«هیئت داوری هیچ اختیاری در خصوص تصمیم‌گیری در مورد ابهامات حقوقی نخواهد داشت. اگرچه، هیئت این اختیار را دارد که مفاد ماده‌ی ۳۸ و یا هر یک از مفاد این موافقت‌نامه را به نحوی که برای اجرای وظایفشان لازم باشد تفسیر کنند. باین‌حال هیچ‌چیز در اینجا مانع از این نخواهد شد که طرفین در تفسیر مفاد موافقت‌نامه به محاکم قضایی مراجعه نمایند». علاوه بر این‌ها، موافقت‌نامه‌های دیگری که مرتبط با فرآیند باز تعیین بودند منجر به دعوی قضایی متعدد در دلاور<sup>۲۲</sup> در خصوص فرآیند داوری و آرای صادره گردید. (دو طرف از سه ذینفع درگیر،

<sup>20</sup> Prudhoe

<sup>21</sup> Hydrocarbon Pore Volume

<sup>22</sup> Delaware

طی موافقت‌نامه‌ای مسئله را بین خود حل و فصل نموده و یکی از آن‌ها مدیریت داوری را به‌جای دو طرف برعهده گرفته بود. ( Prudhoe Bay Unit Operating Agreement, article 3) طرف سوم با استناد به ماده‌ای از موافقت‌نامه مبنی بر شمول مفاد داوری فقط بر طرفینی که مسئله‌ی داوری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اعلام کرد که طرفی که مصالحه نموده حق شرکت در فرآیند داوری و انتخاب داور جداگانه ندارد. ( Prudhoe Bay Unit Operating Agreement, Article 3) دعوی قضایی در خصوص باز تعیین موافقت‌نامه‌ی مورد اشاره حداقل پنج سال طول کشید و هزینه‌های هنگفتی برای طرفین به بار آورد. مثال‌های دیگری از این دست را می‌توان به‌خصوص در دریای شمال پیدا کرد.

باز تعیین سهم طرفین نیازمند مرور حجم زیادی از داده‌های فنی است در نتیجه فرآیندی پرهزینه و زمان‌بر است. همچنین، در فرآیند مذکور دارایی موجود مجدداً تخصیص داده می‌شود و دارایی یا منابع جدیدی ایجاد نمی‌شود، بنابراین، معمولاً سعی بر این است که تعداد بازنگری‌ها محدود گردد. از طرف دیگر، بعد از گذشت مدت معینی از تولید، تجدیدنظر در سهم طرفین منطقی نخواهد بود؛ زیرا منبع کافی در میدان یا مخزن برای تعدیلات احتمالی وجود ندارد. در عمل یک یا دو باز تعیین مجاز است. همچنین ممکن است با در نظر گرفتن جریمه‌هایی برای فردی که درخواست بازنگری غیرضروری می‌نماید تعداد بازنگری‌ها را محدود نمایند. درخواست‌های غیرضروری به درخواست‌هایی گفته می‌شود که در نتیجه آن تغییر سهم کمتر از میزان تعیین شده، مثلاً سه یا پنج درصد، باشد.

## ۴.۲. داده‌های مورد استفاده در باز تعیین

اطلاعاتی که برای بازنگری به کار برده می‌شود باید در دسترس تمام طرفین قرار گیرد. رویه مشابه باید برای طرح پیشنهادی کارگزار یکپارچه‌سازی و هر یک از طرفین در طول مذاکرات رعایت شود. علاوه بر لزوم افشای داده‌ها، برخی مواقع طرفین داده‌هایی را که برای بازنگری به کار می‌رود، نیز محدود می‌کنند. این امر شاید به این دلیل باشد که طرفین سعی می‌کنند شخص ثالث تصمیم‌گیر را کنترل نمایند. دلیل دیگر آن می‌تواند اطمینان از مطابقت شیوه‌ی بازنگری با شیوه‌ی تعیین سهم طرفین باشد.

در این موارد پایگاه داده‌ی مشترکی برای استفاده در بازنگری ایجاد می‌شود. برخی از داده‌ها مثل داده‌های حاصل از چاه پی مایی‌ها به‌طور خودکار در پایگاه داده تغذیه می‌شوند ولی داده‌های دیگر باید برای اضافه شدن به پایگاه داده به تأیید طرفین برسند. ( Weaver & etal., 2006, 85) از آنجائی که باز تعیین تنها بر اساس داده‌های موجود در پایگاه داده‌ی پروژه انجام می‌شود، پیش‌بینی امکان اضافه کردن داده‌هایی که خارج از عملیات مشترک به‌دست آمده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برای طرفین برخوردار است؛ زیرا به احتمال زیاد کارگزار

مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۲۰۱

یکپارچه‌سازی یا بهره‌بردار یکی از طرفین موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی است و این انتظار می‌رود که میلی به انجام عملیاتی که نفعی برایش نداشته و حتی ممکن است نتیجه آن منجر به کاهش سهم وی و پرداخت هزینه به طرفین دیگر شود، نداشته باشد. معمولاً در موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی به طرفین این حق داده می‌شود که به هزینه و ریسک خود عملیات اکتشافی لازم در ناحیه مربوط به خود را انجام داده و داده‌های به‌دست‌آمده را در پایگاه داده تزریق نمایند.

آنچه مسلم است داده‌های خام به‌تنهایی نمی‌توانند مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرند. پایگاه داده‌ی مورد اشاره علاوه بر داده‌ها باید شامل مدل شبیه‌سازی مخزن که توسط کارگزار یکپارچه‌سازی و بعضاً با مشارکت سایرین توسعه داده شده است، باشد. مدل شبیه‌سازی مذکور احتمالاً بهترین مدل در دسترس برای پیش‌بینی رفتار مخزن است و ابزاری اساسی برای مدیریت مخزن و عملیات و باز تعیین است. برای اینکه هر یک از طرفین قادر باشند که کارشناس را متقاعد سازند که مدل شبیه‌سازی کارگزار یکپارچه‌سازی صحیح نیست و میزان ذخایری که در منطقه‌ی وی قرار دارد را به‌درستی محاسبه نمی‌کند، باید درک جامع و کاملی از مدل کارگزار را داشته باشند. بدین منظور کارگزار یکپارچه‌سازی باید مدل شبیه‌سازی را در فرمت قالب نرم‌افزاری غیرانحصاری تهیه نماید به‌گونه‌ای که مالکان بتوانند آن را ارزیابی کرده و به چالش بکشند و یا برای مطابقت با اهداف خود تعدیل کنند. (Rush, 2010, 4)

### ۴.۳. اجرای باز تعیین

تغییر در سهم طرفین منجر به تعدیلاتی در تسهیم تولیدات، هزینه‌ها و قراردادهای بین پیمانکاران و دولت خواهد شد. بعد از نافذ شدن موافقت‌نامه‌ی باز تعیین، تولید ناحیه یکپارچه‌سازی شده بر اساس نرخ تسهیم جدید تقسیم خواهد شد. باید تسهیم تولیدات به‌گونه‌ای تعدیل شوند که عایداتی که طرفین در گذشته دریافت کرده‌اند نیز اصلاح گردد<sup>۳۳</sup>. بدین منظور طرفی که در بازنگری سهمش افزایش پیدا کرده است، برای مدتی موقت بیش از آنچه باید دریافت می‌کرد دریافت می‌نماید و متعاقباً سهم طرفی که کاهش پیدا کرده است برای مدتی معین بیش از آنچه که باید، کاهش می‌یابد. این روند تا زمانی که مقدار دریافتی قبلی طرفین به تعادل برسد، ادامه خواهد داشت. این رویه فقط زمانی مجاز است که منجر به قطع کامل جریانات نقدی طرفی که سهمش کاهش پیدا کرده است، نشود. در تعدیلات بهتر است تفاوت قیمتی هیدروکربن نیز در نظر گرفته شود. به حساب نیاوردن تفاوت قیمت‌ها منجر به این می‌شود که فردی که سهمش افزایش یافته است بیشتر و یا کمتر از میزانی که باید دریافت می‌کرد، به دست

<sup>۳۳</sup> در بعضی از مواقع طرفین عطف به ماسبق بودن تعدیلات را مورد پذیرش قرار نمی‌دهند. با این حال به غیر از یک مورد، در بقیه الگوهای در دسترس تعدیلات حاصل از باز تعیین عطف به ماسبق بودند.

آورد. علی‌رغم این مشکل بالقوه حرکت مهمی در سطح بین‌الملل برای تخصیص مجدد درآمد به‌جای هیدروکربن ایجاد نشده است (Derman & Vollus, 2002, 8). عدم تمایل به تعدیل درآمدها شاید ناشی از این باشد که طرفین ترجیح می‌دهند به‌جای درآمد، هیدروکربنی را دریافت کنند که می‌توانند آن‌ها را در دفاتر حسابداری ثبت کرده و در گزارش‌های مربوط به بازار سرمایه اعلام نمایند و از سوی دیگر درآمدهای مشمول مالیات خود را کاهش دهند. منطق رایج در حال حاضر نادیده گرفتن تغییرات قیمتی و پذیرش ریسک آن است (Weaver & et al., 2006, 87)

تعدیل در سهم طرفین بر قراردادهای بلندمدت فروش نیز تأثیرگذار است.<sup>۲۴</sup> اگر یکی از طرفین متعهد به فروش بلندمدت نفت یا گاز باشد یکی از چهار رویکرد زیر باید اتخاذ گردد:

الف- ممکن است طرفین در قرارداد فروش بلندمدت اجازه تغییر در مقادیر تحویلی به دلیل تعدیلات صورت گرفته در سهامشان را پیش‌بینی کرده باشند.

ب- ممکن است طرفی که سهامش افزایش پیدا کرده است تعهد طرفی را که سهامش کاهش پیدا کرده است را قبول کند.

پ- تعدیلهای ممکن است در خصوص مقادیر تولیدی که به قرارداد فروش بلندمدت مرتبط نیستند، انجام شوند.

ت- و یا طرفین تعدیلهای را به‌صورت نقدی انجام دهند.

مسئله دیگر که باید مدنظر قرار گیرد، اثر باز تعیین در بدهی‌های طرفین به یکدیگر از محل تولیدات است. برای مثال، بدهی شرکت ملی نفت به پیمانکاران برای جبران هزینه‌های اکتشاف و توسعه و یا بدهی شرکتی به شرکت دیگر به‌منظور جبران مدیریت پروژه<sup>۲۵</sup> اگر باز تعیین منجر به تغییر در هزینه‌های مدیریت گردد باید بدهی‌های مربوط به جبران آن‌ها از محل تولیدات نیز تعدیل شوند. گزینه دیگر این است که با هزینه‌های مدیریتی به‌عنوان وام جداگانه رفتار شود به‌نحوی که با انجام تعدیلات میزان آن‌ها تغییر نیابد. در این حالت، اگر در اثر تعدیلات ناشی از باز تعیین قرار باشد بخشی از هزینه‌های مدیریتی که قبلاً پرداخت شده بازگردانده شود با مشکل مواجه خواهند شد. (Weaver & et al., 2006: 87)

هزینه‌های سرمایه‌ای گذشته و هزینه‌های عملیاتی پیش از تولید که قبلاً انجام شده‌اند معمولاً به‌صورت یکجا بازپرداخت می‌شوند. نرخ بهره در این هزینه‌ها محاسبه می‌گردد ولی

<sup>۲۴</sup> تأثیر باز تعیین به خصوص در مواردی که قراردادهای بلندمدت فروش برای اطمینان از تعادل اقتصادی پروژه منعقد شده باشد، بیشتر است. مواردی چون پروژه‌های آل ن جی که سرمایه‌گذاری عظیم لازم دارند و در صورت عدم اطمینان از وجود خریدار بلندمدت سرمایه‌گذاران از شرکت در آن‌ها اجتناب می‌کنند.

<sup>۲۵</sup> Carried Interest

مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۲۰۳

همین رویه ساده نیز با دشواری‌هایی همراه می‌شود.<sup>۲۶</sup> برای مثال، در میدان «بالمورال» در «یوکی سی اس»<sup>۲۷</sup> هزینه‌های سرمایه‌ای به قدری زیاد بود که افزایش سهم جبران آن‌ها را نمی‌کرد. هزینه‌های عملیاتی بعد از شروع تولید که بستگی به میزان تولید دارند، اصولاً در اثر تعدیلات ناشی از باز تعیین متأثر نمی‌شوند؛ زیرا چنین هزینه‌هایی به طور خودکار با تعدیل حجم نفت جبران خواهند شد. این شیوه بر این فرض است که هزینه‌های عملیاتی به ازای هر بشکه در طول عمر میدان ثابت می‌ماند که ممکن است همیشه صادق نباشد. (Rush, 2010: 6)

#### ۴.۴. رویه‌های حل و فصل اختلافات در باز تعیین سهم طرفین

همانند اکثر قراردادهای رجوع به کارشناس، دادگاه و داوری معمول‌ترین شیوه‌های حل و فصل اختلافات در موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی در خصوص مذاکرات باز تعیین می‌باشند. «جیمز راس» در مقاله خود در می ۲۰۰۶ با عنوان «مدیریت اختلافات فرامرزی» در پاسخ به این پرسش که کدام‌یک از این شیوه‌ها معمول‌تر و مناسب‌تر است؟ چنین عنوان می‌کند: «نویسندگان مقالات اخیر عنوان کرده‌اند که فرآیند باز تعیین چه در مرحله‌ی توافق و چه در مرحله‌ی اجرای آن اغلب منجر به رجوع به داوری و یا دعوی قضایی می‌شود. پولکینگهورن<sup>۲۸</sup> در مقاله خود در سال ۲۰۰۷ نظر متفاوتی دارد:» در رویه صنعت من جمله در دریای شمال و سایر نقاط جهان بیشتر از نظر کارشناس به جای رجوع به دادگاه و داوری استفاده شده است. تقریباً در دریای شمال در تمامی موارد به جای داوری و دادگاه از نظر کارشناس مستقل برای حل اختلافات بهره برده‌اند. این بدان معنی است که موضوع باز تعیین، مسئله‌ای فنی است و بهتر است یک شرکت مشاور فنی مسئله را بررسی نماید. تا اینکه یک حقوقدان. تقریباً در تمامی موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی نوشته شده است که نظر کارشناس مستقل نهایی و برای همه لازم‌الاجرا است. «با این وجود در برخی از موارد مسائل حقوقی مسائل فنی را تحت شعاع قرار می‌دهند. همان‌طور که در مورد پرونده آلاسکا اشاره شد، اختلافات طرفین بیشتر به مسائل حقوقی مرتبط می‌شد تا مسائل فنی. استفاده از کارشناس رویه پرطرفدار در صنعت است، زیرا کم‌هزینه‌تر است و از شخص دارای تخصص لازم برای تصمیم‌گیری بهره می‌برد.

با توجه به اینکه استفاده از کارشناس مستقل به عنوان معمول‌ترین شیوه‌ی حل و فصل اختلافات شناخته شده است این پرسش‌ها مطرح می‌شود که کارشناس چگونه باید انتخاب شود و چه رویه‌ی کاری را باید دنبال کند؟ از طرفی با توجه به لازم‌الاجرا اعلام شدن تصمیمات نهاد

<sup>۲۶</sup> مقاله مورد اشاره در پاورقی شماره ۳۴ نمونه‌ای از فرمول باز تعیین سهم طرفین و تعدیلات حاصل از آن را به

صورت مشروح توضیح داده است.

<sup>۲۷</sup> Balmoral field on the UKCS

<sup>۲۸</sup> Polkinghorne

مذکور، آیا امکان اعتراض به تصمیم اتخاذ شده وجود دارد؟ کارشناس معمولاً با رأی‌گیری در کمیته عملیات یکپارچه‌سازی تعیین می‌شود. در موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی نیز رویه کاری کارشناس مشخص می‌گردد. انواع رویه‌هایی که معمولاً استفاده می‌شوند عبارت‌اند از:

الف- رویکرد «شات‌گان»<sup>۲۹</sup> در این رویکرد کارشناس مسئله را بررسی نموده و نظر خود را اعلام می‌کند. مزیت این شیوه در سریع‌تر به نتیجه رسیدن آن است؛ اما ممکن است با نظر کارشناس مخالفت‌هایی وجود داشته باشد.

ب- رویکرد «پاندولی» یا «بیس بال» که در آن کارشناس باید یکی از طرح‌های پیشنهادی مالکان را انتخاب نماید. به این شیوه تلاش می‌شود که از ادعاهای اغراق‌آمیز طرفین جلوگیری به عمل آید؛ زیرا طرفین می‌دانند که اگر ادعاهای غیرواقعی ارائه کنند، کارشناس آن‌ها را رد کرده و پیشنهاد طرف مقابل را می‌پذیرد. (Polkinghorne, 2007: 15)

پ- رویکرد کارشناس ناظر<sup>۳۰</sup>: در این حالت کارشناس به‌عنوان ناظر در تمام فرآیند مذاکره شرکت خواهد نمود و درنهایت در مورد مسائلی که توافق وجود ندارد، تصمیم‌گیری می‌کند. (Rush, 2010, 6) با مشارکت تمامی طرفین در فرآیند باز تعیین، توافق حاصله راحت‌تر اجرا خواهد شد. طولانی شدن فرآیند باز تعیین از معایب این رویکرد است.

در اکثر موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی تصمیم کارشناس مستقل برای طرفین لازم‌الاجرا است. ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا حق درخواست بازنگری در تصمیم کارشناس تحت قانون حاکم بر قرارداد امکان‌پذیر است یا خیر؟ این مسئله به‌ندرت رخ می‌دهد. آن‌گونه که «جیمز رأس» در مورد انگلستان گفته است: «مثال‌های انگشت‌شماری در مورد به چالش کشیدن تصمیم کارشناس در خصوص باز تعیین در دادگاه‌های انگلستان وجود دارد. با این وجود، به چالش کشیدن رأی کارشناس با ادله‌ی بسیار معدودی در دادگاه قابل قبول خواهد بود.» (برای مثال کارشناس به‌صورت قابل توجه از دستورات عدول کرده باشد یا مرتکب یکی از اشتباهاتی شده باشد که در موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی مشخص شده‌اند). در حقوق انگلستان، قانون ۱۹۹۶ داور، به طرفین این اجازه را می‌دهد که سؤالات حقوقی خود را از دادگاه بپرسند درحالی که در آمریکا این کار مجاز نیست. در مدل قرارداد A.I.P.N نظر کارشناس الزام‌آور اعلام شده و آن را از ماده‌ی داور مستثنی کرده‌اند. هرچند استفاده از شیوه‌های حل اختلاف متفاوت در موافقت‌نامه‌های مختلف منجر به سردرگمی خواهد شد. از سوی دیگر، به چالش کشیدن تصمیمات نهاد ثالث مثل کارشناس مستقل فرآیندی طولانی و پرهزینه است.

## ۵. کارگزار یکپارچه‌سازی

<sup>29</sup> Shut Gun

<sup>30</sup> Guided Owner



مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۲۰۵

به‌طور معمول در یکپارچه‌سازی طرفین به‌صورت مستقل عملیات نفتی را انجام نمی‌دهند بلکه کارگزاری به نیابت از همه ذینفعان نسبت به تهیه برنامه کاری و اجرایی نمودن آن اقدام می‌کند. کارگزار یکپارچه‌سازی چگونه باید انتخاب شود؟ تکالیف وی چیست؟ آیا امکان کناره‌گیری و یا کنار گذاشتن کارگزار یکپارچه‌سازی وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ فرآیند جایگزینی وی چگونه است؟ انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی بر تعهدات دارندگان امتیاز یا پیمانکار در قبال دولت میزبان چه تأثیری خواهد داشت؟

### ۵.۱. انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی

به‌طور معمول در یکپارچه‌سازی طرفین به‌صورت مستقل عملیات نفتی را انجام نمی‌دهند بلکه کارگزاری به نیابت از همه ذینفعان نسبت به تهیه برنامه کاری و اجرایی نمودن آن اقدام می‌کند. معمولاً در موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی کمیته‌ای با عنوان کمیته‌ی عملیات یکپارچه‌سازی<sup>۳۱</sup> ایجاد می‌شود که وظیفه‌ی آن نظارت بر اجرای عملیات نفتی است. کارگزار یکپارچه‌سازی برای انجام عملیات باید تأییدیه‌های لازم از کمیته عملیات یکپارچه‌سازی را مطابق با مفاد موافقت‌نامه اخذ نماید. مهم‌ترین وظایف و حقوق کارگزار یکپارچه‌سازی در الگوهای یکپارچه‌سازی در دسترس اجرای عملیات نفتی، واگذاری بخش‌هایی از عملیات نفتی به پیمانکاران فرعی، حسابداری دقیق عملیات مالی، تهیه و ارائه‌ی برنامه‌ی کاری و بودجه سالانه، فراهم نمودن امکان نظارت بر عملیات نفتی و ممیزی رویه حسابداری برای نمایندگان هر یک از طرفین و ... است.

در اکثر الگوهای قراردادی کشورها به معیارها و سازوکار انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی اشاره نشده است. تنها در ماده‌ی ۵-۸-۸ قرارداد مشارکت در تولید اکوادور اولویت‌هایی را برای پیمانکاری که دارای شرایط زیر باشد در نظر گرفته‌اند:

- الف- پیمانکار مخزن را کشف نموده باشد.
- ب- اگر پیمانکار دیگر، قرارداد را باهدف دستیابی به گاز طبیعی اجرا نموده است و مخزن کشف‌شده، مخزن نفت باشد.
- پ- اگر بیش از پنجاه درصد ذخایر مخزن کشف‌شده در ناحیه قراردادی پیمانکار واقع شده باشد.

ت- اگر بر اساس طرح توسعه‌ی پیمانکار مشخص شود که توسعه‌ی مخزن در زودترین زمان ممکن نهایی شده و با نرخ بهینه به تولید خواهد رسید (Ecuador Model Production Sharing Contract, 2002, article, 5-8-8).

<sup>31</sup> Unit Operating Committee

هرچند در اکثر منابع فقط به نام بردن از کارگزار یکپارچه‌سازی اکتفا شده و فرآیند انتخاب آن توضیح داده نشده است ولی در بیشتر الگوهای موافقت‌نامه‌های عملیات مشترک<sup>۳۳</sup> نحوه انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی جایگزین مشخص شده است. در ماده ۷-۱۲ مدل A.I.P.N کارگزار یکپارچه‌سازی جایگزین از طریق فرآیند رأی‌گیری انتخاب می‌گردد. در الگوی A.A.P.L و الگوی اداره ایمنی و محیط‌زیست آمریکا نیز کارگزار یکپارچه‌سازی از طریق فرآیند رأی‌گیری انتخاب می‌شود. در تمام موارد ذکر شده طرفینی که دارای سهم بیشتر از تولیدات و عایدات میدان هستند حق رأی بیشتری دارند. برای مثال در ماده ۱-۶ الگوی اداره ایمنی و محیط‌زیست آمریکا به شرح زیر آمده است: «... انتخاب کارگزار جایگزین از طریق رأی مثبت دارندگان اکثریت منافع کاری بر اساس ۱- وسعت ناحیه مربوط به آنان در مقایسه با کل ناحیه قراردادی ۲- تخمین نفت یا گاز یا هردوی آنها یا همان نفت در جای اولیه در بخش مربوط به آنان ۳- به نحو مقرر در موافقت‌نامه انجام خواهد شد...» در الگوی موافقت‌نامه‌ی A.A.P.L جایگزینی کارگزار یکپارچه‌سازی از طریق رأی مثبت دو یا بیش از دو طرف که بیشترین سهم از منافع میدان را دارند، انجام می‌شود. در نتیجه اگر یک طرف بیشترین سهم را داشته باشد نمی‌تواند به‌تنهایی نسبت به انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی اقدام کند.

از مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اولاً کارگزار یکپارچه‌سازی از بین طرفین درگیر در موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی انتخاب می‌گردد. ثانیاً طرفین می‌توانند در موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی شرایطی را پیش‌بینی کنند که در صورت تحقق آنها امتیازاتی را به شخص خاصی جهت انتخاب به‌عنوان کارگزار یکپارچه‌سازی قائل شوند. (همانند اکوادور) ثالثاً تصمیم نهایی در انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی نیز بر اساس رأی‌گیری است و از آنجائی که وزن رأی هر یک از طرفین به سهم آنها از میدان یا مخزن یکپارچه‌سازی شده بستگی دارد، قاعداً باید دارنده‌ی اکثریت منافع به‌عنوان کارگزار یکپارچه‌سازی انتخاب گردد. هرچند برای تعدیل این موضوع شرط رأی مثبت دو یا بیش از دو طرف که بیشترین سهم را دارند گنجانده می‌شود. همچنین، در تمامی منابع مورد مطالعه اشاره شده است که اگر طرفین نتوانند کارگزار یکپارچه‌سازی را مشخص کنند، نماینده دولت یا ایالت میزبان نسبت به انتخاب یکی از طرفین به‌عنوان کارگزار اقدام خواهد نمود.

انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی چه تأثیری بر تعهدات سایر ذینفعان خواهد گذاشت؟ در ماده ۲-۴ مدل یکپارچه‌سازی اداره ایمنی و محیط‌زیست آمریکا آمده است که انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی هیچ‌یک از طرفین را از تعهدات خود تحت قرارداد اجاره مبری نکرده و مالکیت

<sup>32</sup> Unit Operating Committee

<sup>33</sup> در امریکا موافقت‌نامه یکپارچه سازی و موافقت‌نامه عملیات مشترک به طور جداگانه و در دو سند مجزا تهیه می‌شوند ولی در سایر نقاط جهان موافقت‌نامه یکپارچه سازی مفاد موافقت‌نامه عملیات مشترک را نیز شامل می‌گردد.

مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۲۰۷

قرارداد اجاره یا موافقت‌نامه‌ی عملیاتی را به شخص دیگری منتقل نمی‌نماید. در سایر الگوها نیز کمابیش شروط مشابهی آورده شده است؛ بنابراین، کارگزار یکپارچه‌سازی هیچ حقی بر زمین‌ها، حقوق بهره‌برداری از آنها، منابع استخراج‌شده از آنها به‌غیر از شرایط تعیین‌شده در قرارداد مربوط به خود و موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی نخواهد داشت. هر یک از طرفین نیز در قبال قراردادهای خود با دولت میزبان متعهد می‌باشند.

## ۵.۲. جایگزینی کارگزار یکپارچه‌سازی

پس از انتصاب یکی از طرفین موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی به‌عنوان کارگزار، ممکن است وی به هر دلیلی تمایل به ادامه‌ی کار نداشته باشد و بخواهد دیگری وظایف کارگزار یکپارچه‌سازی را بر عهده بگیرد. آیا کناره‌گیری کارگزار یکپارچه‌سازی مجاز است؟ و اگر چنین باشد فرآیند آن چگونه باید باشد؟ در پاسخ به این سؤالات باید گفت که در اکثر موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی امکان کناره‌گیری کارگزار یکپارچه‌سازی پیش‌بینی شده است. به‌عنوان مثال در صورت عدم پیش‌بینی این موارد در قرارداد امکان به‌بن‌بست رسیدن اجرای آن وجود خواهد داشت؛ بنابراین، شرط عقل آن است که پیش‌بینی‌های لازم در این خصوص صورت گیرد.

در ماده‌ی ۹-۷ الگوی یکپارچه‌سازی A.I.P.N چنین آمده است: «کارگزار یکپارچه‌سازی در هر زمانی که بخواهد می‌تواند کناره‌گیری کند مشروط بر اینکه ۱۲۰ روز پیش از نافذ شدن کناره‌گیری خود مسئله را به اطلاع سایرین برساند.» در الگوی اداره‌ی ایمنی و محیط‌زیست آمریکا توضیحات بیشتری به‌خصوص در مورد نافذ شدن کناره‌گیری داده شده است. بر اساس ماده‌ی پنج الگوی مورد اشاره، کارگزار یکپارچه‌سازی در هر زمانی که بخواهد می‌تواند کناره‌گیری نماید ولی برای نافذ شدن باید شرایط زیر محقق گردد:

ا. شصت روز از زمان اطلاع‌رسانی در خصوص کناره‌گیری به سایر ذینفعان گذشته باشد.  
ب. تمامی سکوها، جزایر مصنوعی، تأسیسات و سایر ابزارآلات شامل تمامی چاه‌هایی که در منطقه به‌منظور عملیات نفتی استفاده می‌شدند به نحوی تحویل ناظر منطقه‌ای داده شود که وی بتواند آنها را به کارگزار جایگزین منتقل نماید؛ و در صورتی که کارگزار جایگزین تعیین نشده باشد بتواند عملیات را متوقف یا خاتمه دهد.

ج. اگر کارگزار یکپارچه‌سازی بر اساس مفاد ماده چهار (با توافق طرفین) تعیین شده باشد، کناره‌گیری تا زمان انتصاب و تأیید شدن کارگزار جایگزین نافذ نخواهد شد.  
( A.I.P.N Unitization and unit operating agreement model, )

### (Article 8.1

در موافقت‌نامه A.A.P.L هم به کارگزار این اجاره داده شده است که در هر زمان بخواهد از عاملیت کارگزار یکپارچه‌سازی کناره‌گیری کند ولی زمان نافذ شدن کناره‌گیری به‌طور دقیق‌تر

تعیین شده است. بدین صورت که «کناره‌گیری ساعت هفت صبح اولین روز ماهی که ۹۰ روز از اعلام کناره‌گیری گذشته است، نافذ خواهد شد. مگر اینکه کارگزار جایگزین زودتر از آن موعد منصوب شده و وظایف مربوط را برعهده گرفته باشد.» (A.A.P.L. Model Form 610 – (1989, Article B-V)

در حالتی دیگر کارگزار یکپارچه‌سازی ممکن است با استناد به مواردی که در موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی پیش‌بینی شده است با تصمیم کمیته عملیات یکپارچه‌سازی از سمت خود عزل گردد. در این صورت نیز باید کارگزار جایگزینی تعیین گردد. از جمله مواردی که تحقق آن‌ها منجر به عزل کارگزار یکپارچه‌سازی می‌شود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ا. محجور شدن یا ورشکستگی کارگزار
- ب. انجام واگذاری‌هایی در راستای منافع طلبکاران
- ج. بر اساس رأی قضایی دادگاه در راستای اجرای مراحل ورشکستگی کارگزار
- د. معرفی مالک جدیدی برای بخش اعظم دارایی‌های کارگزار
- ه. نقض فاحش موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی و عدم توانایی وی در برطرف نمودن مشکل
- و. عدم توفیق در انجام وظایف محوله
- ز. بدون هیچ دلیلی و با رأی اکثریت ذینفعان
- ح. کاهش سهم کارگزار یکپارچه‌سازی از تولیدات و عایدات از درصد معینی که در موافقت‌نامه مشخص شده است.
- ط. به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت و کنترل کارگزار یکپارچه‌سازی تغییری رخ دهد.

اگر کارگزار یکپارچه‌سازی به عزل خود اعتراض داشته باشد می‌تواند به شیوه‌ی پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه، اعتراض خود را پیگیری نماید و عزل وی تا زمانی که مسئله تعیین تکلیف نشود اجرایی نخواهد شد. همچنین، چه کارگزار یکپارچه‌سازی کناره‌گیری کرده باشد و چه از سوی کمیته عملیات مشترک عزل شده باشد تا زمان نافذ شدن آن مسئولیت تمامی عملیات بر عهده وی بوده و عواقب هرگونه قصوری متوجه او خواهد بود. (B.S.E.E Model Unit Agreement, Article 7)

بنابراین، این حق برای کارگزار یکپارچه‌سازی متصور است که از ادامه کار منصرف شود و هیچ محدودیتی در خصوص علت این کناره‌گیری تعیین نمی‌شود. معمولاً در قراردادهای پیمانکاری جهت اطمینان از انجام تعهدات پیمانکار تضمینی تحت عنوان تضمین انجام تعهدات اخذ می‌شود. چرا در اینجا اشاره‌ای به این مسئله نشده است؟ در پاسخ باید گفت هرچند وظایف محوله به کارگزار یکپارچه‌سازی مشابه وظایف پیمانکاری است که تحت قرارداد خدماتی ریسکی فعالیت می‌کند ولی فرآیند انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی کاملاً متفاوت است و بنابراین اخذ

مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۲۰۹

تضمین انجام تعهدات از وی و جاهتی نخواهد داشت. بدین معنی که اعضا یا صاحبان حق بارای اکثریت خود وظیفه انجام عملیات یکپارچه‌سازی را برعهده‌گرفته کارگزار قرار داده‌اند. همچنین با تشکیل کمیته‌ای ضمن نظارت بر اقدامات وی، تمامی برنامه‌های کاری منوط به تأیید آن‌ها خواهد بود. علاوه بر آن گونه که در ادامه شرح داده شده است. کمیته می‌تواند هر زمان که بخواهد و بدون دلیل و صرف تغییر نظر اکثریت، کارگزار یکپارچه‌سازی را عزل کند.

نکته دیگری که باید در استعفا یا عزل کارگزار مدنظر قرار گیرد عدم خدشه به عملیات اجرایی یکپارچه‌سازی تا حد امکان است. برای اطمینان از این مسئله زمان معقولی از ارائه درخواست کارگزار باید بگذرد تا کمیته فرصت کافی برای انتصاب کارگزار جدید را داشته باشد. همچنین کارگزار فعلی باید شرایط را به گونه‌ای فراهم کند که امکان انتقال عملیات به کارگزار جایگزین به راحتی میسر باشد. در برخی از منابع نیز کارگزار فعلی را موظف کرده‌اند تا زمان تعیین کارگزار جایگزین عملیات را ادامه بدهد. بدیهی است عدم تعیین سقف زمانی برای مورد اخیر در موافقت‌نامه می‌تواند باعث بروز اختلاف و عدم پاسخگویی کارگزار در صورت بروز مشکل شود.

## ۶. سازوکار مدیریت یکپارچه‌سازی، نقش، جایگاه و شیوه عملکرد کمیته عملیات

### یکپارچه‌سازی

در یکپارچه‌سازی دولت به منظور اعمال نظارت عالی خود و در راستای تأمین منافع مدنظر، نماینده‌ای را که معمولاً شرکت ملی نفت است مسئول انعقاد قراردادهای نفتی و اجرای آن‌ها می‌کند. دارندگان امتیاز و یا پیمانکارانی که بخش‌هایی از نواحی قراردادی آن‌ها در ناحیه یکپارچه‌سازی واقع شده است، طی مذاکرات و انعقاد موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی کمیته<sup>۳۴</sup> عملیات یکپارچه‌سازی<sup>۳۴</sup> را تشکیل داده و از طریق این کمیته نسبت به اکتشاف، ارزیابی، توسعه و بهره‌برداری از ناحیه یکپارچه‌سازی اقدام می‌نمایند. چگونگی تشکیل کمیته مورد اشاره، وظایف و حیطه اختیارات آن و شیوه‌ی تصمیم‌گیری در آن را در ادامه مورد بررسی قرار داده‌ایم.

### ۶.۱. نحوه تشکیل کمیته عملیات مشترک

بعد از امضای موافقت‌نامه‌ی یکپارچه‌سازی هر یک از طرفین باید در مدت مقرر نماینده‌ی خود و عضو علی‌البدلی را برای عضویت در کمیته معرفی کنند. تعداد نمایندگان هر یک از طرفین برابر بوده و چنین نیست که طرفی که سهم بیشتری در یکپارچه‌سازی داشته باشد عضو بیشتری را نیز معرفی کند. طرفین این حق را خواهند داشت که در هر زمان که بخواهند نماینده خود و یا جانشین معرفی شده را با اعلام کتبی تغییر دهند ( Norway Draft, Article )

<sup>۳۴</sup> کمیته عملیات یکپارچه‌سازی در الگوی نروژ با عنوان کمیته مدیریت نام برده شده است.

#### 4.1, A.I.P.N Model Agreement, Article 8.1, Crawford Creek (Field Unit, Article 4

### ۶.۲. وظایف و اختیارات کمیته عملیات مشترک

کمیته مشترک حق واگذاری امور مربوط به عملیات نفتی و نیز نظارت بر حسن اجرای آن را بر عهده دارد. از اهم وظایف کمیته می‌توان به انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی، نظارت بر عملکرد کارگزار یکپارچه‌سازی، تغییر کارگزار یکپارچه‌سازی، انتخاب کارگزار جایگزین، بررسی و تأیید طرح‌ها، برنامه‌های کاری و بودجه سالیانه ارائه شده از سوی کارگزار یکپارچه‌سازی، تأیید واگذاری کارها به پیمانکاران فرعی در صورت بالا بودن مبلغ آن‌ها از سقف تعیین شده، نظارت بر رعایت مفاد یکپارچه‌سازی، تشکیل کمیته‌های فرعی تخصصی در صورت لزوم و سایر موارد اجرایی اشاره کرد.

### ۶.۳. نحوه تصمیم‌گیری کمیته عملیات یکپارچه‌سازی

در تمامی الگوهایی که تحت بررسی قرار گرفتند، تصمیمات کمیته عملیات یکپارچه‌سازی بر اساس رأی‌گیری اتخاذ می‌شوند. بدین صورت که نماینده‌ی هر یک از طرفین یا در صورت غیبت وی، جایگزین تعیین شده برای او می‌تواند در خصوص مسائلی که در حیطه اختیارات کمیته است رأی دهد و رأی نماینده برای طرفی که وی نمایندگی آن را بر عهده دارد، الزام‌آور خواهد بود. برابری تعداد نمایندگان طرفین در کمیته به معنی حق رأی مساوی آن‌ها نیست. بلکه نماینده‌ها به اندازه سهم طرفین از یکپارچه‌سازی در کمیته حق رأی خواهند داشت. به عبارت دیگر، طرفی که سهم بیشتری در تولیدات و عایدات میدان دارد دارای حق رأی بیشتری است.<sup>۳۵</sup> مشکلی که این سیستم رأی‌گیری ایجاد می‌کند این است که اگر طرفی بیش از پنجاهویک درصد سهم داشته باشد عملاً می‌تواند تمام تصمیمات را به نفع خود برگرداند. به همین دلیل است که در موارد حساس علاوه بر اکثریت آرا به لزوم رأی مثبت دو یا بیشتر از دو طرف که دارای بیشترین سهم هستند، اشاره شده است. این مسئله در خصوص انتصاب کارگزار جایگزین مورد بررسی قرار گرفت.

### نتیجه و پیشنهاد

در الگوی قراردادهای جدید نفتی ایران موسوم به IPC پیمانکار وظیفه انجام عملیات اکتشاف، ارزیابی، توسعه و تولید را بر عهده خواهد داشت. در این بین ممکن است ذخایر هیدروکربنی از مرزهای بلوک یا بلوک‌های واگذار شده به یک پیمانکار عبور کرده و امکان

<sup>۳۵</sup> لازم به ذکر است این بخش خلاصه‌ای از شیوه عمل الگوی های در دسترس AAPL, AIPN, NORWAY UNIT AGREEMENT, CRAWFORD CREEK FIELD UNIT است.

مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۲۱۱

بهره‌برداری آن‌ها از بلوک یا بلوک‌های مجاور میسر باشد. این مسئله ممکن است منجر به ایجاد رقابت بین پیمانکاران شده و هزینه‌های توسعه و بهره‌برداری را دوچندان کرده و هدر رفت اقتصادی و فیزیکی منابع را به بار آورد. در کشورهای دیگر چون انگلستان و امریکا برای جلوگیری از این مشکل قوانین و مقرراتی وضع کرده‌اند که پیمانکار را ملزم به همکاری و توسعه منابع مشترک به‌صورت یکپارچه‌سازی می‌کنند. در پیش‌نویس الگوی قرارداد جدید نفتی ایران نیز به مسئله یکپارچه‌سازی اشاره شده است و درعین‌حال توضیح داده شده که یکپارچه‌سازی باید بر اساس مقررات شرکت ملی نفت ایران انجام شود. در این مقاله کوشش شد تا مهم‌ترین نکاتی را که در مذاکرات یکپارچه‌سازی بین پیمانکاران مطرح است مورد بررسی و تجزیه‌وتحلیل قرار گیرد.

آنچه از بررسی‌های انجام‌شده حاصل گردید این است که اولاً شرکت ملی نفت ایران ضمن اشراف کامل به مسائل مربوط به یکپارچه‌سازی نباید با وضع قوانین و مقررات جزئی نسبت به محدود کردن فضای مذاکرات پیمانکاران اقدام کند. رویه معمول این است که دولت میزبان صرفاً اهداف موردنظر از یکپارچه‌سازی را تعیین کرده و نظارت و ارزیابی‌های بعدی را بر اساس اهداف تعیین‌شده انجام می‌دهد. ثانیاً پیمانکاران باید در مذاکرات یکپارچه‌سازی نکات مهمی چون تعیین ناحیه یکپارچه‌سازی، تعیین سهم طرفین و شیوه بازنگری در آن، انتخاب کارگزار یکپارچه‌سازی و رویه تغییر آن و نهایتاً سازوکار مدیریت عملیات یکپارچه را به‌روشنی مشخص و توافق نمایند. چارچوب موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی باید به‌گونه‌ای تهیه شود که اهداف همه طرفین را برآورده ساخته و از بروز مشکلات و اختلافات آتی جلوگیری کند. توجه به نکات مطرح‌شده ذیل هر یک از مطالب شرح داده‌شده مقاله می‌تواند کمک شایانی به این مهم بکند.

## منابع

- A.I.P.N «Unitization and Unit Operating Agreement Model -2006», (10/19/2018), <https://www.aipn.org/forms/store/ProductFormPublic/unitization-and-unit-operating-agreement->
- B.S.E.E, « Model Unit Agreement for Development and Production Units», (10/19/2018), [https://www.bsee.gov/sites/bsee\\_e\\_prod\\_opengov.ibmcloud.com/files/bsee-interim-document/bsee/model-unit-agreement-for-development.pdf](https://www.bsee.gov/sites/bsee_e_prod_opengov.ibmcloud.com/files/bsee-interim-document/bsee/model-unit-agreement-for-development.pdf)
- Derman, Andrew & Vollus, Kyle (26.4.2016) «Unitization», [http://www.tklaw.com/files/Publication/7450c785-022d-4a36a9cbda5897ca678b/Presentation/PublicationAttachment/562dbe71-7a60-4867-ab0b-98205656af8f/Unitization%20\(Derman,%20A.\).Pdf](http://www.tklaw.com/files/Publication/7450c785-022d-4a36a9cbda5897ca678b/Presentation/PublicationAttachment/562dbe71-7a60-4867-ab0b-98205656af8f/Unitization%20(Derman,%20A.).Pdf)
- [https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment\\_data/file/193705/eiaguidancenote.pdf](https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/193705/eiaguidancenote.pdf), « DTI Oil & Gas Directorate - Regulation Guidance Notes», (10/19/2018), [https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment\\_data/file/193705/eiaguidancenote.pdf](https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/193705/eiaguidancenote.pdf)
- ECUADOR Model Production Sharing Contract, (2002), annex 7 of Weaver, Jacqueline Lang & Asmus, David F. (2006) « Unitizing Oil and Gas Fields Around the World: A Comparative Analysis of National Laws and Private Contracts», **Houston Journal of International Law**. Vol. 28, pp. 4-103.
- Madhurendu B. Kumar (10/19/2018) «Geological Aspects of Unitization in the Petroleum Fields of Louisiana: A Brief Overview», [http://www.dnr.louisiana.gov/assets/docs/TPG\\_Kumar\\_Articles.pdf](http://www.dnr.louisiana.gov/assets/docs/TPG_Kumar_Articles.pdf)
- [www.regjeringen.no](https://www.regjeringen.no/contentassets/133274c0e30f4ad7abd475b6d2d46e63/standard-unitavtale-eng.pdf), «Norway Draft Agreement Relating to the Unitisation and Operation of the Unknown Field», (10/19/2018) <https://www.regjeringen.no/contentassets/133274c0e30f4ad7abd475b6d2d46e63/standard-unitavtale-eng.pdf>
- Polkinghorne, Michael, (2007) «Unitisation and Redetermination: Right or Obligation ?» **Journal of Energy & Natural Resources Law**, Vol 25 No 3, pp.303-323.
- UNITED KINGDOM. Petroleum (Production) (Landward Areas) Regulations, 1995
- Weaver, Jacqueline Lang & Asmus, David F. (2006) « Unitizing Oil and Gas Fields Around the World: A Comparative Analysis of National Laws and Private Contracts», **Houston Journal of International Law**. Vol. 28, pp. 4-103, Available at <http://www.hjil.org/articles/hjil-1-28-weaver-asmus.pdf>.
- Eubanks, Larry & Mueller, Michael (1986) «An Economic Analysis of



مسائل حقوقی یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز بین بلوک‌های مجاور واقع در قلمرو ایران ۲۱۳

Oklahoma's Oil and Gas Forced Pooling Law», **NAT. RESOURCES J** vol 26. Pp 469-70

Brazil (2003), **Model Concession Agreement**,

Rush, Sean (2010) «Unitisation and Redetermination: Winning the End Game», Memery Bank.

A.A.P.L FORM 610 – 1989 -**Model Form Operating Agreement**.

**Prudhoe Bay Unit Operating Agreement** 37.103 (Apr. 1, 1977)

Amui, Sandoval & Marianne, L. R. Melo, (May 2003) «Unitization of Oil and Gas Reservoirs», **Advisor**.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی